



گفت و گو با نادیا شایسته، تولیدکننده قطعات خودرو
که بعد از فوت همسرش حرفه اش را ماندگار کرد

تلفنی که پس از مرگ صاحبش روشن ماند

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۴۲۶ روزنامه شهرآرا
۱۴۰۰ ۰۴ ۱۴

زنان معاون
یا زنان مشاور؟
مسئله این است!

اصلاح سبک زندگی
گام نخست گذار از
دوران کرونا



شماره

شهربانو

۲۴ شهریور ۱۴۰۰
شماره ۱۴۴۴

(۲)



تکنم جاوید

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

موج کمال گرایی، ما را غرق می کند

قدرت شما از خیلی عوامل بیرونی دیگر کمتر است. اگر فاصله میان خواسته من و واقعیت ها به قدری زیاد باشد که تلاش هایم بی نتیجه بماند، سرخوردگی، اضطراب مداوم و افسردگی را برایم به همراه خواهد آورد.

به ویژه این روزها که شبکه های مجازی و مشاهده دنیای دیگران خود به خود توقع ما را از زندگی بالا می برد، در وجود ما احساس نیاز به نوع دیگر زندگی ایجاد و وادارمان می کند که سعی بیهوده را آغاز کنیم. سعی بیهوده برای هدفی انجام می گیرد که به آن نیازی نداریم. کمال گرایی با مشکلاتی در حوزه سلامت عمومی از قبیل اختلال در خورد و خوراک، افسردگی، میگرن، اضطراب و اختلالات شخصیت مرتبط است. ادامه این وضعیت در طولانی مدت می تواند به کاهش کیفیت زندگی و آسیب به روابط با دیگران منجر شود.

کمال گرا بودن، اعتماد به نفس شما را نشانه می رود زیرا کمال گرایان، ارزش وجودی خود را به چیزی وابسته می دانند که در جست و جوی رسیدن به آن هستند و باور کرده اند دیگران نیز بر همین اساس، آن ها را قضاوت می کنند. به این دلیل که این افراد هرگز از داشته هایشان راضی نیستند و به دنبال بهتر می گردند، هرگز نمی توانند مطابق استانداردهایی که برای خودشان تعیین کرده اند زندگی کنند. اگر گرفتار چنین مشکلی شده اید محال است از خودسرنوشتی و انتقادات مداومتان خسته نشده باشید. البته که این فرصت کوتاه مجالی برای جزئیات این مشکل نیست بلکه بهانه ای که با دانستن آن به سراغ درمان آسیب های خود بروید.

رفاه بیشتر خواستن، به دنبال زندگی مدرن و امروزی رفتن، تلاش برای زیباتر شدن و خیلی های دیگر به همین سادگی ها نیست. یعنی اگر با همه رنج و سختی به دست آید، باز با دل خوش استفاده نمی شود. مسئله این است که دنبال بهترین ها و ایده آل ترین ها بودن آرامش را از آدم می گیرد.

در محیط پیرامون ما همه چیز در حال دگرگونی است و ما به گرد این تغییر نمی رسیم اما حال بد و بیقراری اش برای ما می ماند. از لحظه ای که دیگر داشته هایمان کافی نبود، معنی آرامش هم برایمان دگرگون شد. همین حالا از خودتان بپرسید: در کنار همه دارایی های مادی و معنوی تان چه چیزهایی در زندگی تان کم دارید؟ اگر کدام را داشته باشید خوشبخت تر خواهید شد؟ تحصیلات بالاتر، ازدواج، فرزند دختر یا پسر، یک خانه بزرگ تر، ماشین بهتر، شغل پردرآمدتر یا هزاران چیز دیگر؟ پاسخ این است که هیچ کدام.

تا زمانی که یاد نگرفته باشید از اکنون خود لذت ببرید، آینده نیامده هرگز شما را خوشحال نخواهد کرد. آن ها که از نظر ما از مادیات دنیوی بی نیازند هم حال درونی سرد و ناامیدی دارند. کمال گرایی با شما همان کاری را خواهد کرد که با آن ها کرده است.

آرمان ها موتور پویایی و تلاش ما برای تغییر وضع موجودند، اما شرطش این است که قابل دسترس باشند یا دست کم در چند مرحله به شرایط قابل دسترس تبدیل شوند. کمال گرایی یا ایده آل گرایی به تدریج شما را اندوهگین می کند زیرا از یک زمانی به بعد می بینید

اصلاح سبک زندگی گام نخست گذار از دوران کرونا

بیش از یک سال از اعلام رسمی شیوع ویروس کرونا در کشور می گذرد. عوارض این همه گیری برای اقشار مختلف بسیار ناگوار و ماندگار بوده است. از فوت نزدیکان و نبود شرایطی برای گذراندن دوره سوگواری و آثار روحی و روانی آن تا مشکلات اقتصادی، بیکاری، هزینه های درمان، خانه نشینی و نبود درآمد و تفریح، محدودیت ها و قرنطینه و بسیاری از مشکلات بی شمار دیگر طاقت از کفمان ربوده است. اما بارها شنیده و گفته ایم که بانوان در هر نقشی بیش از همه اقشار دیگر، فشار مضاعف این چرخ دهنده های کشنده را تحمل کرده و بار آن را به دوش کشیده اند. هم چنین همواره آماج اخبار متضاد قرار گرفته اند و ناگزیر از حفظ سلامت خود و خانواده، باید خبر درست از نادرست را در زمان مناسب تشخیص و واکنشی صحیح از خود بروز دهند. بار تحصیل آنلاین فرزندان شان را به دوش می کشند و با توجه به مشکلات اقتصادی، سفره و سبب خانواده را مدیریت می کنند. از ورزش و تفریح و مسافرت و دورهمی های فامیلی و دوستانه دور مانده اند و باید ساعت های بیشتری را با فرزندان بی برنامه خود در منزل طی کنند و برایشان برنامه بتراشند. این در حالی است که هریک از این موارد به تنهایی می تواند در بلندمدت عوارض جسمی و روحی سختی برای هر فردی به دنبال داشته باشد. بانوان یک تنه در تلاش هستند خانواده شان دوران گذار کرونا را به سلامت پشت سر بگذارند. اما این روزها نیز که برخی کشورها با واکسیناسیون وسیع مردم به سوی دوران پساکرونا گام برمی دارند و هم زمان اخبار متناقض خوب و بدی به گوش می رسد، به نظر نمی آید از نگرانی و اضطراب زنان کشور ما چندان کاسته شده باشد. برخی منابع خبری از انتقال نیافتن ویروس کرونا از طریق سطوح می گویند اما همان ها بر ضد عفونی و شست و شوی مکرر دست ها تأکید دارند. گفته شده است آب استخر عامل انتقال نیست اما محیط استخرها و کمدها و تأسیسات دیگر می تواند محیطی برای تجمع باشد و تجمعات عامل شیوع بیشتر بیماری. اخبار متفاوتی از تزریق واکسن ها و بیم و امید می کند. در خود آورده است هم تحمل شرایط درازمدت کرونایی را سخت تر می کند. در این میان، خشک سالی و برنامه های نامنظم قطعی برق و گاهی آب با وجود کووید ۱۹ و گرمای طاقت فرسای تابستان مشکلی مضاعف برای مادران است، زیرا برنامه های درسی و اوقات فراغتی آنلاین فرزندان با این موضوع ناسازگاری هایی دارد که باز هم به سرانگشت تدبیر همراه با استرس مادران باید حل شود. پیش گیری از آسیب دیدن احتمالی وسایل برقی گران قیمت منزل و کنترل مصرف برق و آب خانوار با وجود هوای داغ تابستان و شیوع بیماری کرونا هم وظیفه جدیدی به عهده بانوان است.

حقیقت این است که گفتن و نگاشتن درباره همه آنچه در این نوشتار آمد ساده است اما زنان به واقع در عمل از همه این فشارها و اضطراب ها آسیب دیده و به نوعی زیر حجم فراوان بار این مدل از زندگی به فراموشی سپرده شده اند. حتی فرزندی که تا دیروز انجام بسیاری از وظایف خود را به عهده می گرفتند، امروز به دلیل بودن مداوم در خانه و بی حوصلگی های حاصل از آن و به پشتیبانی حضور مادر، از زیر بار کارهای شخصی شان هم شانه خالی می کنند.

به یقین ادامه این روند آسیبی جبران ناپذیر برای زنان و هم چنین خانواده ها به دنبال دارد. از این رو، بانوان باید اندک اندک با تقسیم وظیفه در میان اعضای خانواده و ترکیب بندی جدیدی از برنامه زندگی به خود بیایند و به سلامت روح و روان و جسم خویش نیز توجهی ویژه داشته باشند. بنابراین پیاده روی روزانه، نرمش و مراوده با دوستان و اقوام مثبت اندیش با هر شیوه در دسترس و ممکن، کمک گرفتن از اعضای خانواده در انجام امور روزمره منزل، مطالعه و انجام فعالیت های شادی آور و انرژی زا و نوشیدن آب کافی و خوردن و خوراک مناسب را مهم ترین برنامه هر روز خود بدانند و با اصلاح کم هزینه و مفید سبک زندگی در کنار همه مسئولیت هایی که به عهده دارند، سطح سلامتی و شادابی شان را به نحوی بالا ببرند که بتوانند این انرژی مضاعف مثبت را به سایر افراد خانواده نیز منتقل کنند. فداکاری برای حفظ کانون خانواده قطعاً امری پسندیده است اما نه به بهای از دست رفتن وجود خودمان، که این موضوع به از هم پاشیدگی این کانون مقدس نیز منجر می شود. از این رو، بهتر است خودمان را برای حفظ خانواده فدا نکنیم بلکه برای بقای آن ها سالم، شاداب و سرشار از انرژی باقی بمانیم.

زنان معاون یا زنان مشاور؟ مسئله این است!

حالا که انتخابات تمام شده است و هم و غم نامزدهای دیروز و منتخبان امروز چه در ریاست جمهوری چه در شورای شهر به برنامه‌ریزی و گزینش افراد باصلاحیت، شایسته و کارآمد برای اداره کشور و شهر اختصاص یافته، انتخاب گروه‌های هم‌فکر در جایگاه مشاور و معاون، نخستین اقدامی است که می‌تواند نشان دهد تا چه میزان این منتخبان به تحقق شعارها و وعده‌های خود اهتمام دارند.

استفاده بیشتر از زنان در عرصه اجرایی

چنان که دیدیم و بارها با ادبیات مختلف از زبان نامزدهای مختلف شنیدیم، سهم و نقش زنان در دوران جدید انکارناپذیر است. اگرچه به طور کلی سهم زنان از نامزدی و انتخاب چندان چشمگیر نبوده است و نیست، اگر قرار بر تحقق وعده‌ها باشد، باید در انتظار بهره‌گیری بیشتر از توانایی‌های زنان در عرصه امور اداری و اجرایی باشیم. در همین جا باید به این نکته مهم توجه کرد که زنان توانمند جامعه شایسته احراز مناصب و پست‌هایی بالاتر از موقعیت‌های مشورتی هستند و اگر هدف، افزودن بر حجم مشارکت سیاسی زنان است، باید علاوه بر مشورت، اختیارات تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری را نیز برای آنان در نظر گرفت.

تلفیق نیروهای جدید و قدیم

یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که این سال‌ها درباره حضور زنان در مشاغل و مناصب سیاسی وجود دارد به کارگیری آن‌ها در جایگاه تشریفاتی و صرفاً مشورتی است که به طور خاص و ویژه نمی‌تواند دستاوردهای چندان برای جامعه زنان داشته باشد. در حقیقت، ایفای نقش زینتی و صرفاً مشورتی بدون اینکه اختیارات اجرایی، اداری و قانونی وجود داشته باشد به مثابه سرپوشی است که خواست و مطالبه زنان جامعه را فقط تسکین می‌بخشد بدون آنکه به طور کامل آن را محقق سازد. این در حالی است که تحقق مطالبه‌های جامعه زنان تنها از ایفای نقش‌های جدی همچون حضور در وزارتخانه‌ها و احراز مناصبی هم‌چون معاونت‌ها میسر می‌شود.

به علاوه با مد نظر قراردادن باور به توانمندی زنان، نباید چنین پنداشت حالا که منتخبان تازه‌نفس به میدان آمده‌اند، عرصه‌ها را لزوماً افراد جدید و افکار نو باید پر کنند. به طور معمول در عرصه سیاست، همواره به استفاده از تجربه سیاستمداران پیشین و به نوعی تلفیقی نیروهای جدید با گروه‌های قدیمی تأکید می‌شود. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که حتی در برخی کشورها این مسئله به عنوان امری قانونی و الزامی، در به کارگیری سیاستمداران بازنشسته و با تجربه خود را نشان می‌دهد. بر همین اساس، کسانی که در انتخابات نتوانسته‌اند توجه عمومی مردم جامعه را جلب کنند، نباید خود را حذف شده از سپهر سیاسی قلمداد کنند. هم‌چنین در آن سوی ماجرا، منتخبان جدید نباید خود را بی‌نیاز از تجربه و سابقه پیشینیان در نظر بگیرند و تمام افراد مورد نیاز خود را از میان جریان‌های هم‌سو با خود و چه بسا تازه‌کار در عرصه سیاست برگزینند.

کسب تجربه سیاسی برای زنان سخت به دست می‌آید

تاکنون سهم زنان از حضور در مناصب پراهمیت و حساس سیاسی بسیار اندک بوده است. بسیاری از نهادهای سیاسی، انتصابی و انتخابی تاکنون زنان را به عنوان عضو و مشارکت‌کننده فعال به خود ندیده‌اند. این در حالی است که زنان همواره در سطوح پایین مشارکت سیاسی بسیار فعال عمل کرده‌اند. چه بسا با تازان این مشارکت فعالانه در سطوح مدیریت و تصمیم‌گیری بتواند بر رضایت عمومی و در نتیجه کارآمدسازی سیاست در جامعه ما بیفزاید. به عبارت بهتر، کسب تجربه سیاسی برای زنان بسیار سخت و دشوار به دست می‌آید و دریغ است از این تجارب سخت به دست آمده چندان که باید بهره‌نگرفت. تجربه‌های زیسته‌ای که در نهایت می‌تواند بر مطلوبیت فضای سیاسی اثر مثبتی داشته باشد.



(۳)

تبعض مثبت خوب است یا بد؟

در نظر گرفتن نگاه سهمیه‌ای و چیززی که «تبعض مثبت» خوانده می‌شود شاید در کوتاه مدت و مقطعی اثرگذار باشد، اما به ۲ دلیل نمی‌تواند چندان مطلوب جامعه باشد. نخست آنکه پیش فرض هر نگاه سهمیه‌ای این است که آن گروه و جمعیت خاص فاقد توانایی‌های لازم برای رقابت و حضور فعال در سیاست است. این در حالی است که بیشترین موانع حضور فعالانه زنان در عرصه‌های کلان سیاست به انتخاب‌های مقامات سیاسی منتخب برمی‌گردد، هرچند تجربه نگاه سهمیه‌ای برای زنان در برخی کشورها بسیار خوب ارزیابی می‌شود. در این کشورها که مثلاً در صدی را برای انتخاب زنان در قوه مقننه و سایر نهادهای سیاسی در نظر می‌گیرند، حتماً در کنار این سهمیه، شاهد افزودن بر رویه‌های دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی به نفع زنان هستیم.

دلیل دوم آن است که برای کسب تجربه سیاسی، زنان باید از پله‌های پایین مشارکت سیاسی آغاز کنند. احزاب سیاسی و گروه‌های مدنی فعال در عرصه اجتماعی بهترین دریچه‌های ورود زنان به عرصه‌های سیاسی هستند. نباید وضعیت به گونه‌ای باشد که حتی با در نظر گرفتن سهمیه‌های اندک، گزینه‌ای برای احراز پست و منصب وجود نداشته باشد و تنها برای پر کردن آن سهمیه به زنانی که به واسطه پیوندهای فامیلی و خانوادگی به عرصه سیاست راه یافته‌اند متوسل شوند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد مشارکت فعالانه در احزاب سیاسی و گروه‌های مدنی بهترین راه برای افزایش تجربه‌های سیاسی است و پس از کسب تجارب لازم، با اعتماد مردم و مقام‌های منتخب، به گونه‌ای تدریجی سهم و نقش زنان در عرصه‌های کلان سیاست‌گذاری افزایش یابد.

فضایی برای حضور زنان کارآمد در سیاست ایجاد کنیم

در نهایت، لازم است به این نکته اشاره شود که جامعه در نتیجه تجربه حضور در انتخابات‌های متعدد و رویدادهای سیاسی گوناگون، از بلوغ و پختگی بیشتری در مقایسه با دهه‌های نخستین پس از انقلاب برخوردار شده است. در این میان، نمی‌توان نقش افزایش آگاهی‌های سیاسی جامعه زنان در نتیجه رشد روزافزون فناوری، اینترنت و سایر رسانه‌ها را از نظر دور داشت. نحوه مواجهه مقامات سیاسی منتخب در آستانه قرن جدید باید متناسب با میزان رشد آگاهی‌های اجتماعی باشد. بر همین اساس، استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های جامعه زنان به گونه‌ای گام به گام و هدفمند بسیار منطقی و ضرور است. زنان هم‌اکنون به آن درجه از شایستگی و صلاحیت‌های سیاسی و حقوقی دست یافته‌اند که بتوانند ورای نقش‌های مشورتی، به ایفای نقش‌های جدی به عنوان وزیر و معاون بپردازند. در این مسیر تدریجی، زنان با سابقه و تجربه سیاسی می‌توانند نقشی پیشرو و هدایتگر داشته باشند. حضور این نیروهای ارزشمند سیاسی همراه با پاسداشت و ارج گذاشتن به اقدامات و فعالیت‌های مثبت، البته همراه با نقد‌های احتمالی به عملکرد آن‌ها، می‌تواند فضای مناسبی برای حضور نیروهای جدید، مؤثر و کارآمد از میان جامعه زنان فراهم آورد تا زنان صرفاً در قالب مشاور حضور نداشته باشند و بتوانند در جایگاه‌های قدرتمندتری عمل کنند.



دکتر
محدثه
جزایی

دبیر انجمن
علوم سیاسی
شعبه خراسان

نسیم



عکس: سعیده گل | شهر آرا

گفت و گو با نادیا شایسته،
تولیدکننده قطعات خودرو که بعد از فوت همسرش حرفه اش را ماندگار کرد

تلفنی که پس از مرگ صاحبش روشن ماند

فکرش را بکن سال‌ها برای رؤیایی که در سر داری با همراه زندگی ات تلاش می‌کنی، امیدواری که روزهای سخت تمام می‌شود و به مقصد دلخواه می‌رسی، اما چند قدم مانده به مقصدت، همراهت را از دست می‌دهی. سخت است که بخواهی تنها به مسیر ادامه دهی. نادیا شایسته از آن دسته آدم‌هایی بود که با وجود غم از دست دادن همسرش، نگذاشت شعله رؤیای مشترکشان خاموش شود. او بعد از فوت همسرش، یک تنه کسب و کاری که در اذهان همه ما سخت است به دست می‌گیرد، تک به تک برنامه‌هایی را که تا پیش از این با همسرش مرور می‌کردند عملی می‌کند و این روزها صاحب یک برند در تولید قطعات ماشین‌های سنگین است. او با وجود موج انبوه مخالفت‌ها، دل به دریای این کسب و کار می‌زند و اکنون تولیدکننده پیستون ترمز و کلاچ ماشین‌های سنگین، عضو انجمن قطعه‌سازان و کانون زنان بازرگان است.



سعیده آل ابراهیم

می‌خواستم کارگاه را با چنگ و دندان سرپا نگه دارم

او آن روز شوم در خانه منتظر همسرش بود. حتی چای دم کرده بود تا وقتی بر می‌گردد مثل همیشه با لبخندی خستگی‌اش برطرف شود اما خبر مرگ روزهایش را خاکستری کرد. بعد از مدتی، با خودش خلوت کرد. باید تکلیف کار را روشن می‌کرد. «سال ۹۰ همسر فوت کرد و آن زمان به این نتیجه رسیدم که فروش این مجموعه یا سرمایه‌گذاری در جایی غیر از این کار درست نیست چون خیلی برای به دست آوردن آن سختی کشیده بودیم. ما همه روزهای خوب زندگی مان را گذاشته بودیم تا این کارگاه را حفظ کنیم. ضمن اینکه همسر من به این فضا و کار علاقه‌مند بود و یکی از دلایلی که من را به این کار قانع می‌کرد همین بود. این موضوع موجب شد تصمیم بگیرم با چنگ و دندان این کارگاه را سرپا نگه دارم.»

یک نفر هم موافق نبود

همه در واکنش به تصمیمی که او گرفته بود، ابراز مخالفت می‌کردند و می‌گفتند تو نمی‌توانی این کار را ادامه بدهی و از روی تعصب و احساسات تصمیم می‌گیری. حتی یک نفر هم او را برای ادامه این مسیر حمایت نمی‌کرد. «من تا پیش از فوت همسر من خانه‌دار بودم. فقط چند سالی را در یک خیریه به صورت داوطلب کمک می‌کردم و شروع یکباره چنین کاری برایم چالش سختی بود. همه مشتری‌ها فکر می‌کردند که بعد از فوت همسر، دیگر قطعه‌ای تولید نمی‌شود، اما من تلفن همسر را خاموش نکرده بودم و پاسخ مشتری‌ها را می‌دادم.»

شایسته در این ۱۰ سالی که بعد از نبود شوهرش کار را ادامه می‌دهد، در کنار نیروهای کاری که داشته است، کار را یاد می‌گیرد و حتی بیش از آن‌ها کار می‌کند. «همان سال ۹۰ که شروع به کار کردم، متوجه شدم بابت جریمه و دیرکرد وام یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی که چند سال پیش دریافت کرده بودیم، باید ۱۲ میلیون تومان پرداخت کنم. آن زمان این مبلغ معادل ۲ پراید صفر بود. با وجود چنین

برای مصاحبه با این بانو راهی شهرک صنعتی فردوسی می‌شویم. چند نیروی همراه در این کارگاه کار می‌کنند که پشت دستگاه‌ها مشغول هستند. بانو شایسته هم در کنار کارگران با لباس کار مشغول فعالیت است. دیپلم تجربی دارد و امسال وارد پنجاه سالگی شده است. کارگاه در هول و ولای قطعی برق این روزهاست. به گفته خودش، بارها شده است مشتریان به کارگاه می‌آیند، به دنبال مدیر می‌گردند و زمانی که او را با لباس کار می‌بینند، چشم‌هایشان از تعجب گرد می‌شود.

عهد تاب‌آوری در سختی‌ها

شایسته از زمانی که با همسرش ازدواج می‌کند، با یکدیگر عهد می‌کنند در سختی‌ها کم نیاورند. همیشه در زندگی‌شان قسط و قرض در یک کفه ترازو و در کفه دیگر آن صرفه‌جویی و پس‌انداز قرار می‌گرفت. آن‌ها سال ۷۲ ازدواج می‌کنند. آن زمان، وام ازدواج ۲۵ هزار تومان بود. با چند وام دیگر می‌توانند ۷۵ هزار تومان را به عنوان پول پیش خانه بدهند. هردوشان آن قدر پس‌انداز می‌کردند که وقتی می‌خواستند از آن خانه بروند، رهنی را که داشتند به ۴ میلیون تومان رسانده بودند.

او هنوز به یاد دارد که ابتدای زندگی، شوهرش پیش از اینکه صاحب این کارگاه شود، مشغول کار دیگری بود و در ماه ۳۰ هزار تومان حقوق می‌گرفت که ۲۸ هزار تومان از این مبلغ برای قسط هزینه می‌شد و کل ماه را با ۲ هزار تومان می‌گذرانند. سال‌های زیادی به همین منوال می‌گذشت تا زمانی که بالاخره صبرشان نتیجه‌بخش می‌شود و موفق می‌شوند کفه بدهی‌ها را پایین ببرند و نفسی تازه کنند. اما انگار سرنوشت برگی را روی می‌کند که همه را شوکه می‌کند. همسر شایسته یک روز در همان کارگاهی که برای به دست آوردن آن تلاش زیادی کرده بودند، به دلیل ایست قلبی جان می‌سپارد.

چالش ها و استرس هایی، کار را پیش می بردم.»

➤ شروع کار بدون سابقه و تخصص

حتی تصور اینکه سابقه انجام کاری را نداشته باشی به یکباره وارد شغلی شوی که هیچ اطلاعاتی از آن نداری سخت است، کاری که شایسته آن را عملی کرده است. او در ۸ ماه اول کار، از شوهر خواهرش که او هم مانند همسر خودش مهندس مکانیک بود، کمک می گیرد تا بتواند به کارهای اداری مربوط به کارگاه و برقراری بیمه مستمری همسرش بپردازد. «درگیری های اداری زیادی بعد از فوت همسرم داشتم و مستمری بیمه همسرم نزدیک به ۲ سال طول کشید تا برقرار شد. آن قدر در آن مدت اذیت شدم که حاضرم روزها و هفته ها در اینجا کار کنم، اما یک روز فرایند اداری را طی نکنم.»

➤ چه شب ها که کارگاه خانه و محل آرامش بود

او از همان ابتدا هم می داند که باید پای انتخابی که می کند بماند. به همین دلیل، هر زمان که لازم است، تنها در کارگاه می ماند و کار می کند. آن قدر با این کارگاه انس گرفته است که پایین اتاق اداری، محلی را برای شب هایی که در کارگاه می ماند درست کرده است. بعد از دیدن دستگاه های بزرگ و قطعات ماشین که در جعبه ها ردیف شده اند، به اتاقی می رویم که حکم یک خانه نقلی در دل یک سوله را برای او دارد. اتاق نشیمن، مبلمان و قاب عکس های یادگاری از خانواده سه نفره شان را در خود جای داده است. اتاق دیگر تخت و یک آشپزخانه زیرپله ای دارد.

➤ لطافت زنانه ای که زنده است

شاید خیلی ها گمان می کنند زنی که در کاری که به اصطلاح عامیانه «مردانه» تلقی می شود کار می کند، به مرور روحیات زنانه و لطافتش از بین می رود. با اینکه آثار این کار روی دست های شایسته خود را نمایان کرده و به گفته خودش دستانش مانند یک تعمیرکار شده است، روحیات زنانه را درون وجودش حفظ کرده است. این را می توان از طراوت و سرسبزی گل ها و گیاهان گوشه خانه فهمید. بعد دیگر زندگی شایسته این بود که علاوه بر حفظ نقش مادری خود و رسیدگی به پسر نوجوانش، باید وظایفی مانند خرید را نیز که پیش از این بیشتر برعهده همسرش بود خودش انجام می داد. «هر روز در کارگاه سخت کار می کردم، اما به خانه که می رفتم، مانند هر زن دیگری باید غذا می پختم، خانه را تمیز و مرتب می کردم و خریدها را انجام می دادم. هماهنگی کار و امور خانه سخت بود.»

➤ به پول حلال تولید عادت کرده ام

خیلی ها تا به حال به او پیشنهاد داده اند اگر سرمایه اش را در جای دیگری هزینه کند درآمد خیلی بهتری پیدا می کند و نیازی نیست تا این اندازه کار کند. اما او همیشه در پاسخ به آن ها می گوید که به پول حلال تولید و زحمت کشی عادت کرده است. «مواردی بوده است که بعد از فوت صاحب تولیدی، حتی با اینکه وارثان مرد بوده اند، کار را ادامه نداده و ملک را فروخته اند. من یک زن خانه دار بودم که یک پسر شانزده ساله هم داشتم و کسی از من توقعی برای این کار نداشت، اما این کار را کردم و موفق شدم. ضمن اینکه همیشه به اطرافیانم می گویم فکر کنید من اینجا را فروختم و سرمایه گذاری کردم، سرتاسر سال هم مسافرت رفتم، اما بعد از مدتی آدم افسرده می شود. باور کنید ذهن و جسمم آن قدر درگیر کار است که متوجه نمی شوم زمان چه طور می گذرد.»

➤ ۲ سال کار فشرده بدون یک روز مرخصی

به گفته شایسته، بیشتر روزها شهرک شلوغ است و بعضی تولیدی ها ۳ شیفت کار می کنند؛ اما ایام عید شهرک خلوت است و حتی گاهی نگهبان هم برای دید و بازدید می روند و او تنها می ماند و کار را پیش می برد. «من از آبان ۹۸ تا به حال حتی یک روز تعطیل هم برای خودم نداشته ام. هر روز کار کرده ام. به یاد دارم یک مرتبه زیر ناخن شستم برجسته شده بود، آن قدر که دیگر نمی توانستم کفش بپوشم. دکتر رفتم و مشخص شد که یک توده استخوانی است و نیاز به جراحی دارد. پنجشنبه به بیمارستان رفتم. همان شب با رضایت خودم مرخص شدم و با اینکه پایم خونریزی و عفونت کرد، صبح شنبه سر کار حاضر بودم.»

➤ همه دارند کارشان را تعطیل می کنند؛ تو می خواهی ادامه دهی؟

حالا شایسته تولید کننده پیستون ترمز و کلاچ ماشین های سنگین است و بخش «آلودایز» کار را خودش انجام می دهد، کاری که تا پیش از فعالیت او در این کارگاه توسط ۲ نفر انجام می شد. «در واقع، آلودایز پوششی روی آلومینیوم است که موجب می شود قطعه ضد اکسید شود. مسئول کنترل کیفیت هم خودم هستم و حتی اگر قطعه یک درز کوچک داشته باشد، معیوب است و باید کنار گذاشته شود. البته در کار آلودایز، بخارات شیمیایی وجود دارد. به همین دلیل ریه ام آسیب دیده است. وان های آلودایز حاوی اسید سولفوریک با آب است. گاهی ممکن است قطعه ای داخل این وان ها بیفتد و اگر دستکش هم دستم نباشد، آن را برمی دارم و دستم سوزن سوزن می شود تا زمانی که آن ها را بشویم.»

اوایل و بعد از فوت همسرش، در کارگاه دستگاه پرس نداشتند و باید قطعات را

به جای دیگری می بردند. بنابراین خیلی قطعات خراب می شد و خسارت روی دستشان می گذاشت. دستگاه هم گران بود و از طرف دیگر، سرمایه چندان در کار نبود. «ناچار شدم ۳ هزار متر از زمینی را که در کنار همین کارگاه در اختیارمان بود واگذار کنم تا به جای آن دستگاه بخرم. به یاد دارم برای خرید دستگاه که می رفتم، به من می خندیدند و می گفتند: خانم هستی و در چنین شغلی کار می کنی؟ یا اینکه می گفتند: همه کارهایشان را تعطیل می کنند؛ تو می خواهی دستگاه بخری؟»

➤ باید خودم را به نیروی کار هم ثابت می کردم

علاوه بر اینکه باید این کار را مدیریت می کرد، روبرو شدن با نیروی کار مردی هم که در این کارگاه کار می کردند باید خودش را ثابت می کرد. «ابتدا نیروی کار اینجا به من می گفتند این کار برای شما سنگین است و واکنش هایی داشتند، اما به مرور این موضوع از بین رفت زیرا می دیدند که حتی بیش از آن ها کار می کنم. من عضو هیئت مدیره و بازرس این شهرک صنعتی هستم. سایر اعضای هیئت مدیره به من می گویند شما همین که این کارگاه را نگه داشته ای، شاهکار کرده ای، چه برسد به اینکه در این ۱۰ سال پیشرفت کرده و شناخته شده ای.»

➤ حامی نداشتم؛ به خودم روحیه می دهم

روال کار آن ها این طور نیست که بر اساس سفارش، قطعات را تحویل بدهند، بلکه آن ها طبق اولویت، قطعات را تولید و در انبار نگه داری می کنند. به همین دلیل گاهی ممکن است این قطعات در مدت یک سال هم به فروش نرسد، اما به هر حال دورریز ندارد. «درآمدان دیر و زود دارد. ما فرایند خرید مواد اولیه و تولید را به صورت نقدی انجام می دهیم، اما مشتریان ما چک های مدت دار می دهند. شاید باورتان نشود، اما گاهی کلافه می شدم زیرا واقعا مدیریت این مسائل سخت است. ضمن اینکه پدرم را یک سال قبل از همسرم از دست داده بودم. مادرم دچار آلزایمر شده است و یک خواهر هم دارم. حامی نداشتم و همه چیز روی دوش خودم سنگینی می کرد. در این سال ها خودم به خودم روحیه می دادم.»

➤ ۴ ساعت در شبانه روز می خوابیدم!

از زمانی که تصمیم به ادامه این کار می گیرد، گاهی قضاوت می شود، اما اکنون زنانی در اطرافیان و خویشاوندان او هستند که می گویند دوست دارند مانند او باشند و برای رسیدن به خواسته خود علی رغم میل باطنی دیگران، تلاش کنند. شایسته معتقد است با اینکه مدیران دیگر پای میز می نشینند و کارگران را مدیریت می کنند، او تنها زمانی پشت میز می نشیند که بخواهد فاکتوری را بنویسد. در غیر این صورت، مشغول کار است. «بعضی روزها آن قدر عجله دارم زودتر به کارگاه برسم که پلیس در جاده جریمه ام می کند. حتی در روزهای گرم سال، یک ماسک فیلتر دار چرم و با مانتو شلواوری که جنس آن نخ نیست و کفش های لاستیکی کار می کنم. شب هایی که در زمستان در کارگاه می مانم، ساعت ۴ صبح کاپشن می پوشم و دستگاه ها را به برق می زنم تا ۲ ساعت بعد بتوانیم کار را شروع کنیم. برخی شب ها بوده است که ۴ ساعت در شبانه روز خوابیده ام و مابقی آن را فقط کار کرده ام. من سردردهای میگرنی دارم و بسته بسته قرص می خورم با اینکه عوارض دارد. مجبورم. در غیر این صورت، نمی توانم کار کنم.»

➤ وجدانم راحت است

سر و کار شایسته با قطعاتی است که کیفیت آن ها در وسیله نقلیه آن هم در ماشین های سنگین بسیار مهم است و یک قطعه معیوب به راحتی می تواند سرنوشت یک فرد نه که یک خانواده را به کل تغییر دهد. «در همه این سال ها طوری کار کرده ام که وجدانم راحت باشد و شب ها سرم را راحت روی بالش بگذارم. چند وقت پیش باید ۵۰۰ قطعه را برای مشتری ارسال می کردم تک تک آن ها را کنترل کردم. در نهایت یک قطعه معیوب بود و ۴۹۹ قطعه را فاکتور کردم زیرا یک قطعه معیوب می تواند با جان یک انسان بازی کند.» او معتقد است کار با شرکت های بنام خیلی سخت است. ضمن اینکه در این کار مبالغ دیر برمی گردد، اما برای او اعتباری که در این سال ها به دست آورده است اهمیت دارد. «در این سال ها جنس چینی هم در بازار زیاد شده بود و کار سخت بود. شاید در یک سال، فقط ۱۰۰۰ تومان روی مبلغ قطعه تولید شده مان اضافه می کردیم.»

➤ علاقه به شغل سختی های آن را آسان می کند

شایسته با اینکه از این شغل تخصص و اطلاعاتی نداشت، حالا این کار را دوست دارد و زمانی که قطعه با کیفیتی را به موقع تحویل مشتری می دهد، لذت می برد. او معتقد است وقتی انسان کاری را دوست داشته باشد، سختی های آن هم برایش آسان می شود. «راضی ام که با همه سختی ها، این کار را ادامه دادم. راه های آسان تری هم برای کسب درآمد هست، اما چیزی نیست که خوشایند آدم باشد. حالا به نیروهای کارگاه می گویم اگر روزی روی صندلی چرخ دار بنشینم، باز هم سر کار می آیم. اکنون امکان اشتغال زایی بیشتر برای افراد را دارم، اما بودجه برای خرید دستگاه ندارم. متأسفانه هیچ نهادی از تولید کننده حمایت نمی کند. من همه در هیچ یک از این سال ها سراغ وام نرفته ام.»



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۰
۲۳ دی‌التمه ۱۴۴۲ شماره ۳۴۴۴

(۵)





مادران به عنوان اولین و بلندمدت‌ترین اثرگذاران بر هویت فرزندان خود از قابلیت ویژه‌ای در کتاب خوان بار آوردن افراد یک جامعه برخوردارند که این قابلیت زمانی برای فرزندان نشان و جامعه سازنده است که از آن استفاده کنند و خواننده مداوم بودن را در شخصیت خود حفظ کنند تا به فرزندان نشان نیز سرایت دهند

دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

هنگامه



عکس تزئینی است

زنان دانا حرکت اجتماعی به سوی توسعه را شتاب می‌دهند

بیشتر بخوانیم تا از بچه‌ها کم نیاوریم

چند خانم میان سال در اتاق انتظار پزشک موبایل هایشان را کنار یکدیگر گرفته بودند و یکی شان که مشخص بود به دنیای فناوری بیش از بقیه مسلط است، در حال توضیح دادن روش‌های جست‌وجوی پی‌دی‌اف رمان‌های ایرانی بود و در کنار آن توضیح می‌داد که چه گونه با استفاده از اینترنت می‌شود در کمتر از ۱۰ دقیقه چند دستور متعدد طبع مر بای آلبالو را پیدا و با هم مقایسه و با خواندن نظر کاربران معایب و محاسن دستور پخت‌های مختلف را ارزیابی کرد. یکی از خانم‌ها پرسید: برای روان‌شناسی کودک هم می‌توانیم کتاب پیدا کنیم؟ من یک دختر چهارساله دارم. بچه‌های امروزی روش‌های امروزی برای تربیت شدن می‌طلبند، مشغول جست‌وجوی کتاب روان‌شناسی کودک و نوجوان بودند و با صدای بلند تیتربازی را که می‌دیدند می‌خواندند و با هر تیتربازی که مواجه می‌شدند هیجان زده می‌گفتند: این هم باید جالب باشد! می‌شود همه‌شان را دانلود کرد؟ روش‌های کاهش استرس، این مثلا برای دختر من خوب است. امسال باید برای کنکور آماده شود. من هم به اندازه او استرس دارم. این را هم دانلود کنیم. وقتی گفتم این پویایی و ذوق شما باعث شادی می‌شود و چه خوب که از موبایل‌هایتان این طور مفید استفاده می‌کنید، انگار که قند توی دلشان آب شده باشد، لبخندی زدند و گفتند: چاره چیست؟ زمانه عوض شده است. اگر بخواهیم از بچه‌هایمان کم نیاوریم و حرفی برای گفتن به آن‌ها داشته باشیم باید بیشتر بخوانیم و بیشتر بدانیم. البته مشغله‌های خانه‌داری، همسر داری و همراهی با بچه‌های مدرسه‌ای و کنکوری زمان ما را تقریبا پر کرده است. نمی‌توانیم همه جا یک کتاب با خودمان راه ببریم. این طور که می‌گویند، پی‌دی‌اف کتاب‌ها را می‌شود با قیمت مناسب‌تر گرفت و همه جا روی موبایل همراه داشت، امکان بسیار خوبی برای ما مادران پرمشغله است.

گنج‌های دانایی روی تلفن همراه

زندگی در دنیای امروز به رسانه‌های مجازی گره خورده است. دلایل متفاوتی نظیر در دسترس بودن، کم حجم بودن و حمل ساده موبایل، سرعت دسترسی به پاسخ آنچه در جست‌وجویش هستید از طریق جست‌وجوگرهایی نظیر گوگل، همه و همه، سبب شده است آموختن از طریق رسانه‌های اینترنتی از مقبولیت عام برخوردار باشد. حتی برخی مادران کتاب‌خوان امروزه به دلیل افزایش صعودی قیمت کتاب به خرید پی‌دی‌اف کتاب مورد نظرشان از اینترنت اقدام می‌کنند و با داشتن پی‌دی‌اف روی تلفن همراه می‌توانند در لحظه‌های کوچک فراغت بین روزمرگی هایشان مثلا زمانی که در مترو یا اتوبوس ناچار هستند تا رسیدن به مقصد شکمپا باشند یا هنگام پخت مربا و غذا همان طور که در آشپزخانه هستند به خوانش کتاب یا مطلب مورد علاقه‌شان بپردازند. زنان فعال و مشتاق فراگرفتن اطلاعات تازه زمان را از دست نمی‌دهند. اگرچه

حس و حال در دست گرفتن کتاب‌های چاپی دنیای ذهنی گسترده‌تری دارد و باعث می‌شود یک مادر خسته از روزمرگی ساعتی را نیز به خودش اختصاص دهد و در گوشه‌ای دنج از خانه بنشیند چای بنوشد و کتاب بخواند اما واقعیت اجتماعی اقتصادی امروز جامعه ما به گونه‌ای است که زمان برای فراغت‌های کتابخوانی بسیار کمتر از گذشته است.

داناتر شدن را در آغوش بگیرد

آنچه در روزمرگی‌های عصر دیجیتال اهمیت دارد این است که خواندن و آموختن از متن زندگی مادران که مسئولیت پرورش دادن را بر عهده گرفته‌اند خارج نشود. حال اینکه خواندن را از طریق کتاب چاپی، مجلات یا روزنامه پیگیر باشند یا از طریق موبایل هایشان، امری انتخابی است که با توجه به شرایط زندگی و مشغله‌هایشان انجام می‌دهند. با این حال، در سبک زندگی بسیاری از مادران جای خالی مطالعه روزانه یا حتی هفتگی حفره وسیع و عمیقی است که آثار خود را در شخصیت و هویت فرزندان که تربیت کرده‌اند نشان می‌دهد. مادران به عنوان اولین و بلندمدت‌ترین اثرگذاران بر هویت فرزندان خود از قابلیت ویژه‌ای در کتاب خوان بار آوردن افراد یک جامعه برخوردارند که این قابلیت زمانی برای فرزندان نشان و جامعه سازنده است که از آن استفاده کنند و خواننده مداوم بودن را در شخصیت خود حفظ کنند تا به فرزندان نشان نیز سرایت دهند. مسیر توسعه پایدار یک جامعه از دانایی می‌گذرد. هرچه جمعیت یک جامعه داناتر باشند، رفتارهای خردمندانه‌تری دارند و مسیر دانایی از خواندن عبور می‌کند. اهمیت جدی گرفتن متعهد بودن به خواندن و آموختن از طریق مطالعه امری است که باید از کودکی در وجود فرزندان درونی شود. اگرچه مادران بسیاری با کتاب قصه‌های کودک، فرزند را با کتاب آشنا می‌کنند، متأسفانه چون خودشان عادت به مطالعه ندارند یا کمتر از آنچه باید، نمود مادر اهل کتاب بودن را در خانواده بروز می‌دهند، فرهنگ مطالعه برای اکثریت کودکان ایرانی با بزرگ شدن و فاصله گرفتن از کتاب‌های کودکانه، درونی نمی‌شود و در تلاطم روزمرگی‌های بزرگ شدن هایشان جایگاه خواندن و دانستن از طریق مطالعه گم می‌شود.

بادبان‌ها را بکشید و حرکت کنید

اولین نمود ظاهری یک مادر خردمند که به دانستن گرامی داشته می‌شود، داشتن یک قفسه کوچک کتاب در کنار گنج‌های ظروف و دکوری‌های زینتی منزل است. آیا در کنار دکوری‌هایی که برای زیباسازی منزل خریداری کرده‌اید، چند جلد کتاب هم که زیباکننده ذهنتان باشد قرار داده‌اید؟ چند درصد مادران ایرانی زمانی که برای دختران خود جهیزیه تهیه می‌کنند در کنار اهمیتی که به خرید لوازم آرایش و کنسول آینه می‌دهند به داشتن یک قفسه برای کتاب نیز اهمیت می‌دهند؟ چند مرتبه تاکنون با دختر نوجوان خود همان طور که برای خرید لباس و زینت‌آلات به بازارگردی رفته‌اید، در بازارهای کتاب هم بازارگردی داشته‌اید؟ هیچ‌گاه دیر نیست. اگر یک مادر مسئولیت‌پذیر هستید بادبان‌های کشتی خانواده‌تان را به سمت داناتر شدن تنظیم کنید. اما یادتان باشد اول از خودتان شروع کنید. رفتار شما نشان دهنده ذهنیت شماست. تا خودتان اهل مطالعه نباشید، نمی‌توانید مطالعه‌کننده پرورش دهید.



صوت مزامیر داوود یا طعم آویشن و عشق

حشمت سیدموسوی متولد اردیبهشت ۱۳۴۹ در شهر نیشابور است. از دوران دبیرستان سرایش شعر را آغاز کرده و سال‌ها در فضای ادبی شهر مشهد بالیده است. علاقه به شعر و ادبیات موجب شد که در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد به تحصیل بپردازد و به عنوان دبیر ادبیات لحظه‌های شاعرانه‌ای را با دانش‌آموزان رقم بزند. مجموعه شعر «آیه‌های مشرقی» دربرگیرنده اشعار کلاسیک حشمت سیدموسوی است که توسط نشر تکا (توسعه کتاب ایران) در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسید. این مجموعه حاوی غزل‌های عاشقانه و اجتماعی این شاعر است، غزل‌هایی سرشار از عاطفه و تخیل شاعرانه که از زبانی استوار و مدرن برخوردار است. سیدموسوی در جشنواره‌های مختلفی از جمله شعر جوان و کنگره‌های دانشجویی برگزیده شده است و در کارنامه ادبی اش دبیری ششمین جشنواره شعر رضوی مشهد به چشم می‌خورد. داوری جشنواره شعر فجر استان، داوری جشنواره شعر رضوی و داوری شعر دانش‌آموزی از فعالیت‌های ادبی حشمت سیدموسوی است. هم‌چنین به دلیل دغدغه‌های ادبی‌ای که همواره در طی این سال‌ها داشته بارها به کارهای اجرایی در حوزه شعر و ادبیات پرداخته است. چند سال عضو شورای سیاست‌گذاری شعر خراسان بوده و سال‌ها به عنوان ناظر ادبی به شهرهای مختلف اعزام شده است.

+ شاید اذان گفته باران در چشمه‌های

صدایت

پپیچیده دبیری ست اینجا آواز ره‌بنایت
در گوشه مهر خواندی یا در ردیف ستاره
خورشید شد قبله گاه آوازهای ره‌بایت
صوت مزامیر داوود یا طعم آویشن و عشق
عطری دل‌انگیز بودی مانده‌ست دل در هوایت
در لحن تو آسمان را نوشیده‌ام جرعه‌جرعه
با عاشقانت شراب و شوری ست تا بی‌نهایت
رفتی خداحافظ تو آوای «روزان ابری» روشن شده ای مسافر فانوس دریا
برایت جای تو خالی ست خالی در شاخه روبه‌رویم
باور کنم ای پرنده رفتی و مانده صدایت

+ یک آیه از خورشید را بر لب می‌آوردم

تا یک کمی احساس می‌کردم سر دم
آیا اجابت می‌شود با تو دعای من
یا آسمان را دور این تسبیح می‌گردم
هر گاه ابری می‌شود بی تو هوای من
باران که می‌آید شکوفا می‌شود دردم
یک شب چراغی در دلم افتاد و بعد از آن
با ذکر ماه روشن مسرور می‌گردم
غرق کبوتر می‌شود دستم خداحافظ
ای روزهای تیره و تار پر از دردم
از ابتدای فصل یخبندان فقط باید در «جویبار لحظه‌ها» ایمان می‌آوردم
دیگر به شور شعر باید متکی باشم
ای واژه‌های از دهن افتاده سردم

شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴ تیر ۱۴۰۰
۲۴ دی‌ماه ۱۳۲۲ شماره ۴۴۴

(۷)

کمک‌های بین‌المللی به زنان نویسنده و سازمان‌های حمایتگر



ریحانه صادقی
مترجم

مگر در موارد نادری همچون نویسندگان افسانه‌ای معاصر مثل جی کی رولینگ، مایا انجلویا مارگارت اتوود، پول معمولا از آن دست چیزهایی نیست که فوج فوج به سمت حساب‌های بانکی نویسندگان زن سرازیر می‌شود. این حقیقتی انکارناپذیر است. با این حال، در سرتاسر جهان، سازمان‌هایی وجود دارند که می‌کوشند با اعطای کمک‌هزینه به نویسندگان زنی که برای تأمین هزینه‌های زندگی خود با مشکل روبه‌رو هستند، به آن‌ها کمک کنند. برخی از این سازمان‌ها در سطح جهانی و برخی نیز در سطح ملی یا بومی فعالیت می‌کنند. در ادامه، فهرستی کوتاه از این سازمان‌ها را برای شما آورده‌ایم.

+ Awesome Foundation Grant

به معنای کمک‌هزینه بنیاد Awesome یا معرکه! این بنیاد یک انجمن جهانی است که با هدف افزایش علاقه‌مندی افراد به انجام کارهای «معرکه» و شگفت‌انگیز، از طریق اعطای جایزه‌های هزاردلاری به پروژه‌های گوناگون (از جمله نویسندگی) تأسیس شده است. این بنیاد تاکنون توانسته است با اعطای ۳,۶۷۶,۰۰۰ دلار جایزه به هنرمندان حوزه‌های مختلف، به هزاران نفر کمک کند به اهداف و آرزوهای هنری خود دست یابند. معرکه است، نه؟

+ Money for Women یا Barbara Denim Memorial Fund

«پول برای زنان» یا «صندوق یادبود باربارا دنیم» قدیمی‌ترین سازمان فعال در ارتباط با زنان در زمینه اعطای کمک‌هزینه به زنان هنرمند است. تمرکز این سازمان بر تشویق و توانمندسازی هنرمندان در زمینه‌های مختلف هنری (چه نوشتاری چه بصری) است و جوایز این گروه از ۵۰۰ دلار تا ۱۵۰۰ دلار متغیرند.

+ Sustainable Arts Foundation

«بنیاد هنرهای پایدار» با دادن جوایز نقدی بدون قید و محدودیت به نویسندگان و سایر هنرمندان دارای فرزند کوچک‌تر از ۱۸ سال، از آن‌ها حمایت می‌کند. سال ۲۰۱۸ این بنیاد به ۲۰ نویسنده و هنرمند جوایز پنج‌هزاردلاری اهدا کرد که ۱۸ نفرشان زن بودند. بنیاد هنرهای پایدار تلاش می‌کند تمرکز خود را بر حمایت از زنان، هنرمندان متعلق به نژادهای مختلف و هنرمندان رنگین‌پوست قرار دهد.

+ Diverse Writers Grant

«کمک‌هزینه نویسندگان متفاوت» از طریق «بنیاد ادبیات گمانه‌زن» در قالب یک جایزه و با هدف حمایت از گروه‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و از امتیازات ویژه برخوردار نیستند و به زنان نویسنده اعطا می‌شود. تمرکز این جایزه، همان‌طور که از عنوان بنیاد حامی آن پیداست، بر کمک به نویسندگان حوزه ادبیات گمانه‌زن (عملی تخیلی، وحشت و فانتزی) است. این جایزه با اهدای ۲ کمک‌هزینه مجزا، یکی برای نویسندگان متفاوت و دیگری برای آثاری که جهانی پر از تفاوت را به تصویر می‌کشند، می‌تواند فرصت خوبی برای نویسندگان زن به وجود آورد.

+ UCROSS

بنیاد UCROSS به نویسندگان و هنرمندان این شانس را می‌دهد که بدون مشغولیت خاطر به انجام کار خود بپردازند. در این طرح عملاً پولی به نویسندگان پرداخت نمی‌شود، بلکه مکانی برای زندگی بدون نیاز به پرداخت اجاره به آن‌ها داده می‌شود. هدف این بنیاد فراهم آوردن محیطی کارآمد، راحت و آبرومند برای نویسندگان است. حتی یک سرآشپز حرفه‌ای هم در محل حاضر است تا با آماده‌سازی وعده‌های غذایی روزانه این نویسندگان، شرایطی مطلوب برای آن‌ها فراهم آید.

<https://www.grantsforwomen.org/2018/12/6-grants-for-female-writers.html>



حمایت از زنان سرپرست خانوار

مشاور امور زنان و خانواده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تصویب بسته حمایتی کمک به تأمین مسکن زنان سرپرست خانوار خبر داد. این بسته پیشنهادی در بخش مسکن مبنی بر لزوم برنامه‌ریزی دولت در جهت تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد و نیازمند جامعه و در راستای اجرای بندهای «ت» و «ج» ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص تأمین مسکن نیازمندان به ویژه حمایت از زنان سرپرست خانوار و بر اساس توزیع آماری زنان سرپرست خانوار ثبت‌شده در طرح اقدام ملی مسکن، برآورد هزینه ساخت واحد مسکونی و منابع یارانه‌ای مورد نیاز پیشنهاد شد و به تصویب رسید.



پاسخ به پرسش‌های حقوقی



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

عنوان جرم افترا شکایت کند.

+ همسر من اوایل امسال با خودرو پراید با سانترفه تصادف کرد و مقصر شناخته شد. طبق گفته کارشناس، ۱۷ میلیون به هیوندای خسارت وارد شده است که بیمه ۷ میلیون پرداخت خواهد کرد و ۱۰ میلیون آن را باید ما پرداخت کنیم. ما با این ماشین امرار معاش می‌کنیم. چه کار کنیم؟ نمی‌توانیم اقساطی پرداخت کنیم؟ آیا راه‌حلی وجود دارد؟

خسارت وارده باید پرداخت شود و تنها می‌توان با اثبات اعسار و اینکه توان مالی پرداخت وجود ندارد، خسارت را به صورت اقساط پرداخت. البته باید در نظر داشت که اگر طرف مقابل بتواند ثابت کند امرار معاش از ناحیه دیگری تأمین می‌شود و خودرو جزو مستثنیات دین نیست، امکان توقیف خودرو را دارد.

+ ما خانه‌ای پیش‌فروش خریدیم اما ۶ ماه از پایان قرارداد گذشته است و هنوز ملک را تحویل نگرفته‌ایم. در قرارداد ضرر و زیان دیده شده است اما مسئله این است که مسئول ساخت‌وساز هیچ زمانی را با توجه به افزایش قیمت مصالح اعلام نمی‌کند تا از بلا تکلیفی خلاص شویم. نگرانیم شکایت کنیم و به کل کار بخوابد و دیگر تحویل‌مان ندهد. آیا راهی قانونی برای به نتیجه رسیدن وجود دارد؟

باید قرارداد تنظیمی بین طرفین مطالعه شود

+ در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ من به همسر شک دارم و فکر می‌کنم با کسی رابطه دارد. از طرفی، هیچ دلیلی ندارم. اگر شکایت کنم و در دادگاه بگویند اشتباه کرده‌ام چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در صورتی که دلالی برای اثبات رابطه وجود نداشته باشد و به حیثیت طرف مقابل لطمه وارد شود، می‌تواند تحت



(۸)

شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴ تیر ۱۴۰۰
۲۴ دی‌ماه ۱۴۴۲ شماره ۳۴۲۶

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرمدپیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

ممکن است بخشی از این ضرب‌المثل‌ها بیانگر افکار منفی یک ملت به یک قشر یا یک جنس باشند. ممکن است بارها ضرب‌المثل‌هایی شنیده باشید که بتوان به آن‌ها عنوان ضد زن داد. چاره چیست؟ آنچه انکارناپذیر است وجود این ضرب‌المثل‌ها در ادبیات ما و افکاری است که این ضرب‌المثل‌ها را ساخته‌اند. حتی ممکن است خود ضرب‌المثل‌ها در گذر زمان مطرود شده باشند اما افکاری که آن‌ها را ساخته‌اند هم چنان در میان مردم وجود دارد. خانم بنفشه حجازی، نویسنده و پژوهشگر تاریخ زنان، در کتاب خود به نام «زن در مثل» به سراغ تاریخچه این ضرب‌المثل‌ها رفته و در اتفاقی بسیار قابل تحسین از میان اشعار و ضرب‌المثل‌های موجود در ادبیات فارسی همه آنچه درباره زنان وجود دارد جمع کرده است. او درباره این اقدام پژوهی‌اش می‌نویسد: «پس از سال‌ها تحقیق در مسائل زنان این مملکت، دریافته‌ام که اگرچه همه ضرب‌المثل‌ها به زبان آورده نمی‌شوند، ولی بن‌مایه افکارمان را رنگ می‌زنند و می‌سازند و هادی‌ت‌گر رفتار عامه مردمان هستند. به هر حال، از تمامی زنان وطنم از اقدام به چنین کاری پوزش می‌طلبم اما چون نیت آینده‌سازی مؤمنه‌ای در دل بوده است، تا با نشان دادن زن‌ستیزی قدمی در اصلاح آن بردارم و حتی در راه اصلاح رفتار زنان خودمان فکری کرده باشم، بر من خواهند بخشود. خوار و خفیف‌سازی گروه‌هایی از زنان را خود ما زنان نیز بر عهده داریم: در موقعیت عروس و مادرشوهر، عناد با زنان طایفه همسر، زیردستان اجتماعی و فرهنگی‌مان، قربانیان مناسبات اقتصادی اجتماعی و ... و هر کسی که در بخش‌های مختلف این کتاب می‌توان با اندکی تعمق دریافت که چه گونه با یک مثل او را شخصیت او را سرکوب کرده و می‌کشیم.»

کتاب فصل‌های متعددی دارد درباره ویژگی‌های منفی زنان در ضرب‌المثل‌ها و توصیه‌های تحقیرآمیزی که در ادبیات نسبت به آن‌ها وجود دارد و ده‌ها موضوع دیگر. البته مقداری هم درباره ویژگی‌های مثبت زنان! به هر حال، خواندن این کتاب ممکن است شما را ناراحت، عصبانی و ناامید کند اما روشن می‌کند آنچه در ادبیات عامیانه در میان شاعران و نویسندگان برای تحقیر زنان به کار برده شده چیست و شاید به مرور و با شناخت کامل و دقیق بتوان آنچه در فرهنگ ما به اشتباه شکل گرفته و عمق یافته است اصلاح کرد.

نگاهی به کتاب «زن در مثل»

زن خوب و فرمانبر و پارسا و دیگر قضایا

+ بخش بزرگی از ادبیات هر ملت را ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌های ادبی تشکیل می‌دهند، آنچه می‌توانیم آن را بخشی از «ادبیات عامه» بنامیم، حکایات و مثل‌هایی که مردم معمولی در گفت‌وگوی روزمره از آن استفاده می‌کنند و در حقیقت بخشی از فرهنگشان را می‌سازد. این فرهنگ در عمیق‌ترین لایه‌های زندگی آدم‌های یک سرزمین نفوذ می‌کند و پیکره فکری و رفتاری آن‌ها را می‌سازد. ضرب‌المثل‌ها در واقع صادق‌ترین نمایندگان زندگی اجتماعی اقوام و ملت‌ها هستند چون نماینده مفهومی است که حامل افکار یک ملت از هر طبقه و هر سن است و طرز زندگی اجتماعی و میزان تربیت هر ملت را نشان می‌دهد.



زن در مثل

• نویسنده: بنفشه حجازی